الكري پاشان

معلم باید در فرآیند یادگیری ، عمدتا نقش راهنما و تسهیل کننده را داشته باشد و

سازمان می گیرد ؛ به طوری که دیگر قادر

نيست خود را از چنين قالبي رها سازد . در

اینجا به بعضی از این اعتقادات سنتی تدریس

که نسل به نسل به معلمین انتقال یافته است

۱ - من، سكون و ميانه روى را پيشه مې كنم

براساس این اعتقاد معلم موجودی است

بى ثمر و فاقد تحرك كه هر موقعيت و رويدادى

او درهر شرایطی خلق و خوی بی طرفانه از

خود نشان می دهد و در واکنش های او اثری

از شادی ، غم و تواضع یا تکبر مشاهده

نمی شود . در کلیه بحث ها نقشی خنثی بازی

می کند و عقاید و اندیشه های شخصی خویش

۲ – من به همه کودکان ، عشق می ورزم بر

این اساس ، معلمان باید همه کودکان را به یک

میزان دوست داشته باشند . عصبانیت ، نفرت

و طرد ، جایی در قلمرو احساسات معلّم

ندارد! معلمینی که این احساسات طبیعی ر

تجربه می کنند گاهی دچار احساس گناه

مى شوند ، زيرا به غلط به أنان گفته شده كه

معلم خوب باید فاقد این گونه احساسات

باشد ؛ يعنى عصبانى نشود ، نسبت به هيچ

. کس نفرت نداشته باشد و هیچ کس را طرد

نكند . بايد توجه داشته باشيم كه وقتى

می گوییم معلم باید همه کودکان را دوست

داشته باشد ، از لحاظ اینکه کودکان ، همه

انسان هستند و حق دارند که دوست داشته

شوند ، حرف درستی است اما به آن معنا

را با سردی و سکوت می نگرد .

اشاره می کنیم :

را ابراز نمی دارد .

دانش آموزان به شکلی پیوسته و مداوم ، نسبت به نگرش ها ، ارزش ها و شخصیت های معلمان

خود واکنش نشان می دهند . تقلید از معلم ، یکی از روش های معمول در یادگیری به شمار می رود و از این لحاظ معلم می تواندِ الگوی پر قدرتی برای دانش آموز به

یکی از جنبه های مهم یادگیری از طریق تقلید ، آن است که رفتار می تواند به سادگی از طریق مشاهده کسب شود و برای این کار، لازم نيست كه دانش آموز راسا به انجام دادن و تمرین و یا ارائه آن رفتار بپردازد دانش آموزان به طور ثابت در حال جذب و کسب اظهارات ، حالت ها و نگرش های معلمان خود از نقطه نظر روش های کلاسی هستند و این امر بدون آنکه معلم ، رجوع خاصی به این یرد. گوَّنه رَفْتَارَها داشته باشد انجام می گیرد. در مواردي كه معلم با طعنه و كنايه و يا استهزا به اشتباهات دانش آموز پاسخ مي دهد احتمال اینکه دانش آموز نیز چنین واکنشهایی نسبت به همديگر نشان دهند افزايش خواهد

باید توجه داشت که هر نوع رفتاری در هر زمانی می تواند به شکل یک الکو عمل کند . از این رو دانش آموزان ، رفتارهای مثبت و منفی ، هر دو را از معلمان خواهند آموخت . هر گاه دانش آ موزان متوجه شوند که آنچه معلم به هنگام وعظ و خطابه در کلاس بیان مى دارد ، با آنچه وى عملا از خود بروز می دهد متفاوت است ، یعنی هماهنگی بین عقيده و عمل او وجود نداشته باشد ، آنان به چنین موعظه هایی توجه نخواهند کرد و دریی عمل کردن به آنها بر نخواهند آمد این تفاوت و ناهماهنگی ، ممکن است بین انتظارات معلم از دانش آموزان و امكاناتي كه عملا به آنان داده مي شود نيز مشاهده شود . اگر معلم به دانش آموزان گوشزد کند که مجاز نیستند قبل از آنکه زنگ تفریح زده شود کلاس را ترک کنند ، اما در عمل نتواند این قانون را جامعه عمل بيوشاند اعتماد دانش آموزان نسبت به قدرت رهبری معلم به تدریج کاهش

رفتار دانش آموزان، همچنین تحت تاثیر اعمال معلم درموارد زیر است : معلم به اهمیت مطالعه و خواندن کتاب تاکید

فراوان می گذارد ،اما خود او حتی یک کتاب

معلم ، رعايت اصول اخلاقي را محترم و مهم مى شمارد ولى دائما برسر مسائل جزئى با خشم و فریاد با دانش آموزان رو به رو مى شود معلم تاكيد مى كند كه احترام به عقايد و نظریات دیگران و به ویژه دانش آموزان همواره مورد نظر اوست ، ولي مكررا عقايد دانش آموزان را که به نظر خودش نادرست و احمقانه است به مسخره می گیرد در تمام این موارد ، دانش آموزان به جای توجه به آنچه معلم به شکل نظری بیان مى دارد ، به رفتارها و واكنش هايى كه عملا از خود نشان می دهد گرایش پیدا می کنند. معلمان قاهر و زورگو با رفتارهای خصمانه اثرات زیان بخشی بر روی رفتار دانش آموزان دارند ، در حالی که معلمان مهربان با رفتارهای غیر تهاجمی می توانند به سازگاری اجتماعی

دانش آموزان خود كمك كنند . بعضی از نشانه های رفتارهای خصمانه عبارتند از اعمال قدرت، خجالت زده كردن و پافشاری در مطیع بودن دانش آموزان . برای رفتارهای ملایم و منطقی نیزمی توان، تشویق دانش آموزان به شرکت در بحث های كلاسى ، اظهار علاقه نسبت به فعاليت هاى

دانش آموزان و همدردی و درک دانش آموزان

دانش آموزان در کلاس هایی که توسط معلم مهربان و منطقی اداره می شود رفتارهای دانش آموزان در کلاس دارد .

كه به مفهوم دقيقه كلمه ، " انسان " هستند . آنان با برخورداری از زیبا ترین احساسات انسانی با روشی منصفانه ، آزادمنشانه و فارغ از گرایش های دیکتاتور مابانه با دانش آموزان رفتار می کنند و قادرند به راحتی و به شکل طبیعی با آنان روابط دوستانه و انسانی برقرار

شیوه های دیکتاتوری در کلاس هستند و کمتر به نیازهای دانش آمو زان خود می اندیشند . گروهی چنین می پندارند که اگر كسى طلبه خوبى باشد معلم خوبى نيز هست و چنین استدلال می کنند که هرگاه معلمی به موضوع تدريس خود تسلط داشته باشد مي تواند به خوبي آن را تدريس كند ، اگر چه این امر تا حدودی صحت دارد ، ولی میزان دانش و تسلط معلم برموضوع درس به تنهایی نمى تواند فضاى خالى موجود بين تدريس و

فراگیر*ی* را پر سازد . ٔ موضوع درس را به خوبی می داند ولی قادر

اما نگاهی به میانگین نمرات ، ضریب هوشی و کارآمدی این همبستگی مختصری

سازگارتر و ملایم تری از خود نشان می دهند و عكس اين قضيه نيز صادق است . به اين ترتیب نباید فراموش کرد که معلم می تواند تاثير فوق العاده اى برمحيط كلاس و درنتيجه رفتار دانش آموز داشته باشد . بین معلم و شاگرد نباید تاثیر دانش آموز بر رفتار معلم را نادیده انگاشت، زیرا که این تاثیر و تاثر الزاما دریک فرآیند دو طرفه انجام می گیرد . دراغلب موارد الگوی رفتاری و واکنش ( مثبت و منفى ) معلم در كلاس رابطه و هماهنگى قابل توجهی با نوع رفتارها و واکنش های به طور کلی تدریس در کلاس به شکل یک

بدرفتاری می کنند بر نگرش معلم نسبت به آنان تاثیر گذاشته و این نیز به نوبه خود بر نگرش دانش آموزان نسبت به معلمشان اثر خواهد گذاشت.

پایین بردن سطح یادگیری دارد. ویژگی های معلمان خوب و بد از دیدگاه انسان گرایانه

بین معلم و دانش آموز صرفا ناشی از میزان

و میزان آمادگی کارآموزان معلمی به هنگام طى دوره تربيت معلم ، اين حقيقت را آشكار می سازد که بین عوامل مذکور و میزان موفقیت



. می دود که در آن ، رابطه دو جانبه رخ می دهد که در آن ، دانش آموزان و معلمان ، یک واحد در هم تنیده تشكيل مي دهند . مثلا هنگامی که دانش آموزان در کلاس

این تاثیر و تاثرها نقش اساسی در بالا و

مى توان گفت: معلمان كارآمد كسانى هستند

معلمان نا لايق و ناموفق نيز به نظر مي رسد که از احساسات انسانی بی بهره اند و همواره در پی جاه طلبی ، اعمال قدرت و استفاده از

بهترین مثال این ادعا در مقاطع عالی تحصیلی مشاهده می شود . استادانی که بیشترین دانش را دریک موضوع خاص دارند الزاما از لحاظ تدریس بهترین استادان نیستند . در مورد این گروه معلمین بارها شنیده شده است که به برقراری ارتباط نیست ، گوش دادن به حرف هایش سر درد می آورد یا موضوع درس را به شکل خام ارائه می دهد " این عبارات نمایانگر آن است که مشکلات مربوط به روابط

دانش معلم نیست . این امر به آن معنا نیست که اهمیت تسلط معلم بر موضوع تدریس ، نادیده انگاشته شود ، بلکه خود نیز به عنوان آموزگار بر آن تاکید کافی دارد .

زمینه های لازم برای تحرک و فعالیت و خودجوشی دانش آموزان در جریان کلاس را فراهم سازد . رعایت این اصل از سوی معلم ، نقش شایسته ای در ساختار رفتاری دانش آموزان دارد و تقویت اتکای به نفس و اعتماد به خود را در آنان باعث خواهد شد. دانش آموزان به طور ثابت در حال جذب و کسب اظهارات، حالت ها و نگرش های معلمان خود از نقطه نظر روش های کلاسی هستند و این امر بدون آنکه معلم ، رجوع خاصی به این گونه رفتارها داشته باشد انجام می گیرد

> اینها سوالاتی اساسی هستند که هر فردی می تواند از خود بپرسد و پاسخ برای آنها متغیرهای دیگری نظیر گرمی سخن و بیابد . کیفیت پاسخ هایی که به این سوالات مهربانی و احساس مسئولیت در برابر نیازها داده می شود می تواند تاثیر بسزایی در و علائق دانش آموزان و رغبت به تدریس، رابطه معنی دار تری با موفقیت معلم و میزان آموخته های دانش آموزان دارد . به طور کلی هر چه بیشتر به جنبه های عاطفی و انسانی در کلاس توجه گردد بیشتر می توان به کارآمدی و اثر بخشی تدریس معلم امیدوار

> > معلمین ، هنگامی که نسبت به موجودیت خود احساس امنیت كنند بهتر مي توانند به نیازهای دیگران توجه نشان دهند . افرادی که نسبت به خود احساس نامطلوب و ناخوشایندی دارند قادر نیستند زمان و نیروی لازم برای یاری دیگران اختصاص دهند و این بدان علت است كه نوعى احساس محروميت و حرمان در آنان وجود دارد.

هر گاه احساسات نامساع*دی* به هر دلیل در درون معلم در غلیان باشد ممکن است برای حفاظت خود و ایجاد نوعی امنیت درونی ، رفتارهای ناخوشایند و خشونت آمیز از خود نشان می دهد و با وضع قوانین و مقررات خشک و خشن در رابطه با شاگردان خود به روش دیکتاتوری متوسل گردد.

معلمان باید با یافتن پاسخ سوالات زیر، در مقام خودشناسي اصلاح الگوى رفتارى و شخصيتي خود برايند:

آیا احساس می کنید که مردم شما را دوست دارند و یا مطرود و منفور آنها هستید ؟ آیا خود را فردی شایسته احترام می پندارید یا فکر می کنید نظریات شما در مورد شان و مقامتان بی ارزش است ؟ آیا خود را اساسا فردی وابسته به دیگران می دانید یا فکر می کنید از اتکای به نفس و استقلال و ثبات كافى برخوردار هستيد؟ آيا در مورد توانايي خود در برخورد با حوادث شک دارید آیا خود را به عنوان عضوی از جامعه دیگران می بینید یا احساس می کنید به شکل یک

انسان یک بعدی از جامعه به دور افکنده

موفقيت يا شكست معلم از لحاظ تدريس و برقرارى ارتباط موثربا دانش آموزان داشته باشد . مساله تدريس همواره مستلزم روابط متقابل با مردم است و برداشت هایی که معلم از مردم دارد می تواند انگیزه اصلی برای نوع رفتار معلم نسبت به مردم و به ویژه نسبت به دانش آموزان باشد . این حقیقت با نگاهی به نوع انتظاراتی که تا کنون از معلم می رفته است ، روشن ترمی گردد . معلمی که اعتقاد دارد دانش آموزان از توانایی فراگیری برخوردارند ، رفتار مطلوب ترى از خود بروز خواهد داد تا معلمي كه دانش آموزان را فاقد قدرت یادگیری می پندارد . به نظر می رسد که معلمین خوب و موفق را می توان با توجه به اعتقادات زیر نسبت به مردم از معلمین غیر كارآمد و ناموفق متمايز ساخت:

 ا- معلم خوب ، معتقد است که سایرین خود قادر هستند مشكلات و مسايل خويش را بررسی کنند و راه حل موفقیت آمیزی برای آنها بيايند .

۲ - دیگران را به منزله دوستان خود می پندارد و اعتقاد دارد که آنان همواره در راه تکامل خود گام بر می دارند . ۳ - دیگران در نظر او موجوداتی با ارزش و

معلم واقعى كيست ؟

مصنوعی می پردازند .

گذارده شده مغایرت دارد .

نمى شود .

از وقت خود را به طراحی و تمرکز بر روی

دروس و موضوعات صرف می کنند و

فراموش می کنند که تدریس خوب صرفا به

شیوه ها و کارافزارهای یادگیری خلاصه

گروه زیادی از معلمین به هنگام تدریس ، به

جای آنکه شخصیت و رفتاری واقعی و طبیعی

برای برقراری ارتباط با دانش آموزان از خود

نشان می دهند به ایفای نقش و بروز رفتارهای

این گروه فکرمی کنند ایفای نقش می تواند

آنان را در جلوگیری از بروز مسائل و مشکلات

مربوط به نظم و انضباط محيط كلاس يارى

رفتارهای سرد ، خشن و دور از انسانیت

بعضى از معلمان در محيط كلاس با فلسفه

آموزش و نقش و رسالتی که به عهده آنان

اینگونه رفتارها گاهی به این علت از آنان سر

می زند که فکرمی کنند در صورتی که رفتاری

مهربانانه و روابطی دوستانه با دانش آموزان

داشته باشند ممكن است آنان را افرادى

سهل انديش ، بي كفايت ، و سست نظر قلمداد

كنند . متاسفانه به دفعات زياد مشاهده شده

که معلمین تازه کار را با رهنمودهای

غیر منطقی و به دور از احساسات انسانی

نظیر " از همان آغاز با سر سختی صدای

دانش آموزان را خفه كنيد " و با قدرت و رياست

خود را به دانش آموزان نشان دهید و " به آنان

اجازه ندهید در هیچ موردی اعتراض کنند

مواجه ساخته . بسیاری از اینگونه معلمین نیز

چنین رهنمودهایی را در تدریس خود به کار

این نگرانی و جود دارد که معلم ضمن اینکه به ایفای نقش می پردازد ممکن است آن را کاری

کم کم رفتارش بر محور اعتقادات سنتی

در این قالب فرو برود.

متعادلی هستند و هرگز کسی را عاطل و بی ثمر نمی انگارد .

۴ – مردم و رفتار آنان را از دیدگاه رشد و توسعه درونی ، نه محصولی از وقایع بیرونی برای شکل بخشیدن به موجودیت انسان مى نگرد و معتقد است كه مردم از خلاقيت و پویایی کافی برخوردارند و این فکر که دیگران فاقد نیروی سازنده هستند هرگز در او راه پیدا

۵ – می پذیرد که مردم ارزش این را دارند که مورد آعتماد و اطمینان قرار گیرند و به شیوه ای منطقی و قانونی با آنان رفتار

۶ – معتقد است که مردم با برخورداری از تعالى بالقوه به سوى رسيدن به كمال در حرکت اند و آنان هرگز به منزله موانعی بر سر راه دیگران و تهدید آنان قلمداد نمی شوند .

اگر معلم ، واقعی و خودش باشد ، دانش آموزان قادر خواهند بود با او ، آن چنان که هست ارتباط برقرار كنند ؛ يعنى باكسى كه به عنوان يك موجود انسانی ، دارای احساسات و عقایدی است و صرفا به شکل عاملی که دستورات و فرامین دیگران را عمل می کند ، نیست

خشم، عصبانیت، نفرت، طرد و امثال آن نیز می تواند از سوی معلم و البته به عنوان بخشی از ابزارهای تعلیمی و پرورشی در مقابل رفتارها و کنش های مختلف کودکان ، بجا و سنجیده به کار گرفته شود . درچنین حالتی ، خشم، نفرت و طرد، عين دوست داشتن و در

۳ - من با همه کودکان رفتاری یکسان دارم این باور ، بیانگر آن است که معلمان باید همه رفتار یکسانی نسبت به آنان داشته باشند این دیدگاه را باید از دو لحاظ بررسی کرد ؛ آنجا که توجه ما به تفاوت های اقتصادی ، طبقاتي و اجتماعي معطوف است ، اتخاذ روش و برخورد یکسان و به دور از تبعیض با دانش آموزان، نه تنها صحيح است بلكه جنبه اخلاقی و انسانی ، ضروری و الزامی هم

اینجاست که معلم باید مراقب رفتارهای خود باشد اما آنجا که تفاوت های فردی در زمینه ساختارهای ذهنی و خصوصیات روانی ، بدنی رخ می نمایاند ، روش و برخورد یکسا

۴ - كودكان به من نياز دارند: اين باور ، اساسا

۰ ین بدیهی است که چنین عقیده ای، با روند طبیعی رشد و هدف اصلی تعلیم و تربیت مغایرت

معلم باید در فرآیند یادگیری ، عمدتا

نیست که معلم ملزم باشد بر سایر احساسات طبیعی خود سرپوش بگذارد. بسيارى از معلمين تازه كار غالبا مقدار زيادى

امتداد آن خواهد بود .

کودکان را با یک دید نگاه کنند و احساس و

از سوی معلم ، عین ستم و بی عدالتی

از این قضاوت نادرست نشات می گیرد که کودکان برای حرف زدن ، فکر کردن و عمل كردن ، به حمايت و كمك معلم وابسته اند و مستقلاً قادر نیستند به کاری بیردازند و مسئولیت یادگیری خود را درکلاس به عهده

نقش راهنما و تسهیل کننده را داشته باشد و زمینه های لازم برای تحرک و فعالیت و خودجوشی دانش آموزآن در جریان کلاس

خود منتقل می سازند که معلم نمی تواند موجودی ماورای انسان بی عیب و به دور از خطا و اشتباه و منبع همه علوم

رعایت این اصل از سوی معلم ،

نقش شایسته ای در ساختار رفتاری

دانش آموزان دارد و تقویت اتکای به نفس و

اعتماد به خود را در آنان باعث خواهد

۵ - من پاسخ همه سوالات را می دانم: این

عقيده ، چنان احساس نامطلوبي در بعضي از

معلمان به وجود می آورد که آنان را از پذیرش

بر این اساس ، معلمین به سختی می توانند

عبارت " نمى دانم ، ولى سعى مى كنم

پاسخ آن را بیابم " را بر زبان جاری

اگر معلم ، واقعی و خودش باشد ،

دانش آموزان قادر خواهند بود با او ، آن چنان

که هست ارتباط برقرار کنند ؛ یعنی با کسی

که به عنوان یک موجود انسانی ، دارای

احساسات و عقایدی است و صرفا به شکل

عاملی که دستورات و فرامین دیگران را عمل

دانش آموزان به این ترتیب پی خواهند برد

گذشته از آن هر گاه که اشتباهی از او سر

می زند این شهامت را دارد که به راحتی آن را

بپذیرد . هرچه باشد به هرحال او انسان است

و ممكن است خطاهايي از او سر بزند .

معلمان ، این واقعیت را به ذهن دانش آموزان

ولى متاسفانه فقط عده معدودى از

كه معلم ، " خويشتن خويش " است و ممكن

است مرتكب اشتباهاتي بشود.

اشتباه باز می دارد .

مى كند ، نيست .

دانش آموزان با معلمینی که اشتباهات خود را مى پذيرند و نقش برج عاج نشين و عالم به کل عُلُوم را بازی نمی کنند بهتر و راحت تر مى توانند رابطه برقرار كنند .

معلم خود مي تواند از ديدگاه دانش آموزان، یک طلبه و در جست و جوی علم و دانش بیشتر باشد و این استنباط ، زمانی در ذهن دانش آموزان به وجود مي آيد كه معلم ، اين اندیشه نادرست که همه نظریات و عقاید او مطلقا درست است را به خود راه ندهد . البته اينها فقط معدودي ازباورهايي استكه بعضى ز معلمین ، خود را پایبند آنها می کنند . شما خود می توانید باورهای مشابه دیگری را در این زمینه به خاطر آورید.

برخى از اين باورها لذت بردن از كار تدريس را برای بسیاری از افراد ، زائل کرده است و همچنین معلمین را از شریک شدن در غم و شادى دانش آموزان خود باز مى دارد . أين باورها در مواردی مانعی هستند بر سر راه معلمین ، برای آنکه در مورد احساسات خود صداقت داشته باشند ، استقلال و اتكاى به خود را تشویق کنند یا روابط منطقی و معقول با دانش آموزان خود برقرار سازند . دوام و بقای این گونه باورها بازدارنده و دیگر عقاید مشابه درباره معلمین ، باعث می شود که دانش آموزان ، معلمین را موجودات متفاوتی قلمداد كنند و به سختى بيذيرند كه آنان نيز ممكن است همانند خودشان داراي نقاط قوت و ضعف باشند . كلام آخر اينكه معلمين ، الگوی رفتاری پر قدرتی برای دانش آموزان هستند و از این رو باید مراقب حرکات ، گفتار ، کردار و حتی پندار خود باشند .

تهیه کننده : شهره یاسلار منبع: اينترنت

## افرادی که دارای کسب و کارهای کوچک ۵ - هرگز قول و وعده ای ندهید که قادر به ۵ نکته مهم برای رسیدن هستند ، موفقیت خود را مدیون نکات زیر انجام آن نيستيدِ . در حال حاضریک نکته مهم دیگر را نیز به پنج طبق نظر سنجى و آمار به دست آمده از مورد بالا اضافه كنيد . اگرشما از اينترنت براي مشاغل کوچک ، اداره مشاغل کوچک آمریکا ارتقاء یا سرعت بخشیدن و افزایش بهره وری به "موفقيت شغلي" (small business Administration) برای و کسب و کار خود استفاده نمی کنید از عرصه رسیدن به موفقیت این ٥ نکته مهم و اساسی

كوچكايفاميكند. افرادی که در بازار کسب و کار های کوچک بیش از ۵۰ درصد از صاحبان کسب و کارهای کوچک موفق هستند ازفن آورى روز اينترنت استفاده می کنند . با اینکه استفاده از فن آوری کامپیوتر و اینترنت توسط شرکت های موفق در سال ۱۹۹٦ گسترش پیدا کرد ، اما فقط ۵۳ درصد آنها از سایت های اینترنتی برای کسب گزارشات و اطلاعات استفاده كرده اند و مشخص نشده

> خاصی استفاده شده است. تا سال گذشته، نه تنها کاربرد اینترنت در کسب و کار های کوچک بسیار فراگیر بود ، بلکه ۸۳ درصد از این موارد بررسی شده ، وب سایت های خاص شغل خود را دارا بودند میزان استفاده از شبکه جهانی اینترنت در سال

است که از این وب سایت ها برای چه منظور

اینترنت نقش مهمی در کسب و کارهای

رقابت به دور افتاده اید .

توانایی حفاظت و نگهداری سرمایه و نقدینگی لازم برای خرید تجهزات و ارائه خدمات لازم را بزرگترین مانع و مشکل در سر راه خود عنوان کرده اند

۹۶ درصد وب سایت خاص خود را دارند

٥٦ درصد از تجارت الكترونيك استفاده گذشته افزایش بالایی داشت. افرادي که مشاغل کوچک دارند: ۱۰۰ درصد از اینترنت استفاده می کنند e-mailی ۹۷ درصد ازe-mail

کارهای کوچک توانایی حفاظت و نگهداری سرراه خود عنوان کرده اند.

سرمایه و نقدینگی لازم برای خرید تجهزات و در مرحله بعد تهیه لیست حقوق قرار دارد

بیش از ٥٠ درصد از صاحبان کسب و ارائه خدمات لازم را بزرگترین مانع و مشکل در ٤٠ درصد آنها در پاسخ به این سوال که جواب داده اند : " وضعیت نا پایدار و چالش بزرگ پیش رو در آینده چه خواهد نامشخص اقتصادی " امری که به نوعی به همه

افراد جامعه مربوط مي شود .

عالمان في جونان اسان جرم كان



1 - آمادگی انجام کار برای ساعات دشوارتر و

٢ - هنگام كار در اين ساعات طولاني و طاقت

فرسا می توانید به آموزش های لازم و

ارتباطات شخصی خود نیز بپردازید .

٣ - از تكبر و ادعا بپرهيزيد ، فرقى نمى كند که چه مقدار تخصص و آگاهی در شغل خود

دارید ، کسب موفقیت مستلزم پشتکار ،

مهارت های مالی ، سرمایه کافی ، کارکنان

كارآمد و كار سخت و بسيار زياد است .

۴ - حداکثر کوشش و تلاش خود را برای جذب

رضایت مشتریان انجام دهید . هر قدر هم که

كسب و كار و تجارت شما كوچك باشد ، اين

موضوع اهمیت خاص خود را دارد .

طولانی تررا داشته باشید

